

جاری یعنی از آن جهت که معاذ بن جبل رضی الله عنه گفته است
 که چون از غزوه تبوک بازگشته بود ای رسیدیم که ای جنتی آب بود
 که از شکاف سنگ بیرون می آمد چند آنکه یک سوار یاد و سوار بیانشان
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که می باید که بجایس در آن آب را بنشینند
 و هر که بنشیند می باید که آب بخنیا بد چهار نفر از اصحاب سینه بخارند
 و این که بجهت شده بود گرفتند چون رسول صلی الله علیه وسلم با اصحاب
 رسیدید که آب را گرفته اند فرمود که این آب را که گرفته است گفته
 غلغان و غلغان ایشانرا لعنت کرد بعد از آن فرمودند و
 آن شکاف سنگ را با کشتن مبارک مسح کرد و حکم کرد با آنچه
 خداوند تعالی خواست که حکم کند تا آب آن شکاف سنگ در آن
 سنگ یک گشت آب گرفت در بر آن شکاف سنگ با شید عباد
 رضی الله عنه گوید و الله که شنیدم در آن وادی که مثل صاعقه آوار
 آب می آمد پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر کس که از شکاف
 خداوند بزند که این وادی را در یابد و کرد اگر دوی هیچ وادی سینه
 فرمود ترا دوی خود یکی از سلف گوید و الله که بیان ما در نام

وادی پر گیاه و درو سینه و خورم بر آن نیست

وادی پر گیاه و درو سینه و خورم بر آن نیست
 که در آن راه مار عظیم سمکین با شکلی عجیب شبش آمد مردم بسیار
 ترسناک شدند نزد یک رسول صلی الله علیه وسلم آمد و رسول صلی الله
 علیه وسلم را جمله خود را بسیار نگاه داشت بعد از آن آن مار از
 راه بیرون رفت و سر خود بلند کرد و منوچه اصحاب کشت و سر
 فرود آورد پس رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که این از آن نوعی
 که بسوی ما آمده بودند و استعمار قرآن کرده چون نزدیک مقام می
 رسیدیم بسلام ما آمد آن زن شمار اسلام میکند جواب می بارد و بعد
 جواب دادند پس رسول صلی الله علیه وسلم گفت که اجواما و الله
 من کاتوا استبدکان چند ابرادوست و اربد بر که باشند
 که چون مردی از بنی سعد گفته است که رسول صلی الله علیه وسلم
 با شش تن از صحابه رضی الله تعالی عنهم در تبوک دستگیر بودند
 آنجا رفتیم و گفتیم یا رسول الله استمدان لا اله الا الله و استشهد
 انک رسول الله رسول الله علیه وسلم گفت دولت ابدی باقی
 و سعادت سرمدی استحقاقی بعد از آن از نبال طعم خواست